

فصلنامه تخصصی مطالعات جوان و رسانه

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

تابستان ۱۳۹۱، شماره ۶، صفحه ۳۶

سبک زندگی دینی و نقش آن در کار و فعالیت جوانان

حمید فاضل قانع*

// چکیده

سبک زندگی، مجموعه‌ای از الگوهای نظام‌مند در حوزه رفتار است که خاستگاه آن را باورها، ارزش‌ها و هنجارهای شکل‌گرفته در یک فرهنگ یا خرده‌فرهنگ تشکیل می‌دهد. از آنجایی که فرهنگ نیز از عامل دین اثر پذیرفته است، می‌توان ادعا کرد آموزه‌های دینی می‌تواند در شکل‌گیری یک سبک زندگی اثرگذار باشد. دین اسلام نیز در سه سطح بینش، گرایش و کنش، الگوهایی را ارائه کرده است که بر اساس آن می‌توان سبک زندگی اسلامی را پایه‌ریزی کرد. بخشی از این الگوها معطوف به حوزه کار و فعالیت جوانان است که در هر سه سطح، می‌توان آنها را بررسی و پی‌گیری کرد. الگوی کار و تلاش در دنیا، الگوهای گذران اوقات فراغت، الگوی مصرف و نوع نگاه اسلام به مالکیت و سرمایه، از مهم‌ترین الگوهایی به شمار می‌رود که تبیین دیدگاه اسلام درباره آنها و ترویج رسانه‌ای آن، نقش به سزایی در کمیت و کیفیت کار و فعالیت جوانان در جامعه دارد.

کلیدواژگان

سبک زندگی، دین اسلام، جوانان، کار، الگوهای رفتاری.

// مقدمه

موضوع سبک زندگی و مباحثی در این زمینه، تقریباً از آغاز قرن بیستم میلادی به ادبیات جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی و حوزه مطالعات فرهنگی وارد شد، گویی هر جامعه‌ای برای شکل‌گیری و رشد اجتماعی خود، نیازمند بهره‌مندی از الگوهای متعدد رفتاری در سطوح مختلف است. مدتی است که در مجامع علمی ما به ادبیات ویژه این موضوع توجه شده است و طبیعی است که به اقتضای اسلامی بودن جامعه ایرانی، بر سبک زندگی اسلامی - ایرانی تأکید ویژه‌ای شود. در این راستا، برای نهادهای اثرگذار فرهنگی، به ویژه رسانه ملی، توجه به آموزه‌های اسلامی و الهام گرفتن از الگوهای ارائه شده در خلال این آموزه‌ها، برای شکل‌دادن نوعی از سبک زندگی که متناسب با شاخص‌های فرهنگی خاص جامعه ایرانی باشد، مهم خواهد بود.

سبک زندگی در حوزه مطالعات فرهنگی به مجموعه رفتارها و الگوهای کنش هر فرد گفته می‌شود که معطوف به جنبه‌های هنجاری و معنایی زندگی اجتماعی باشد. طبیعی است بر اساس چنین رویکردی، سبک زندگی افزون بر این‌که بر ماهیت و محتوای خاص تعاملات و کنش‌های اشخاص در هر جامعه دلالت دارد و مبین اغراض، نیت، معانی و تفاسیر فرد در جریان عمل روزمره است، نشان‌دهنده چگونگی نظام باورها و ارزش‌های افراد نیز خواهد بود. چنین برداشتی از مفهوم سبک زندگی، افزون بر این‌که پشتیبانی جدیدترین دیدگاه‌های مطرح در این عرصه را به همراه دارد، از قابلیت خوبی برای بومی‌سازی مفهوم سبک زندگی بر اساس اقتضات جامعه ایرانی - اسلامی برخوردار است.

1. چارچوب نظری

رویکرد کلاسیک اندیشمندان جامعه‌شناسی به موضوع‌های گوناگون، نگاه توصیفی است و همین نگاه کاملاً درباره مفهوم سبک زندگی نیز قابل مشاهده است. بر این اساس، جامعه‌شناسان، معمولاً سبک زندگی جاری افراد را تنها توصیف می‌کنند و نگاه ارزشی و تجویزی ندارند. برای مثال، وبر (1864 - 1920 م.) با تأکید بر منش پارسای پروتستان‌ها که سبب پرهیز از مصرف تجملی و در نتیجه، انباشت سرمایه و سازمان‌دهی عقلانی تولید می‌شد، به اثر نوعی عامل فرهنگی بر نظم اقتصادی و اجتماعی جامعه مدرن توجه کرده است. تقریباً هم‌زمان با همین دوره، ویلن (1857 - 1929 م.) به مفهوم مصرف توجه داشت و ثروت را مبنای شأن و منزلت معرفی کرد. بورديو (1930 - 2002 م.) در تحلیل‌هایش رسماً از واژه «سبک زندگی» بهره برد و آن را بر مبنای سلسله مراتب قدرت و طبقه‌بندی اجتماعی تحلیل کرد. در همه این موارد به روشنی می‌بینیم که جامعه‌شناسان آنچه را موجود است، توصیف و تحلیل می‌کنند و معمولاً با تکیه بر نگاه آماری توضیح می‌دهند که سبک زندگی افراد این‌گونه است.

با وجود این، می‌توان گامی فراتر از توصیف برداشت و با تکیه بر اصول ثابتی که به باور ما در آموزه‌های اسلامی موجود است، چارچوبی ارائه کرد که در محدوده آن، به تجویز نیز بپردازیم؛ یعنی با پرداختن به مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌ها، به شکل‌گیری سبک خاص زندگی که البته در اینجا نوع دینی آن مورد نظر است، کمک کنیم. به عبارت دیگر، در این نوشتار می‌کوشیم آن‌گونه که بایسته است، سبک زندگی ترسیم و تصویر شود. دقیقاً این رویکرد همان شیوه‌ای است که آموزه‌های دینی آن را تأیید و پیامبران الهی آن را پی‌گیری کردند. البته از ابزار حاکم ساختن باورها و ارزش‌های دینی هم برای ایجاد دگرگونی در سلیقه و شیوه انتخاب مردم، بهره می‌گرفتند تا آنها با رضایت خاطر به اصلاح الگوهای سبک زندگی خود بپردازند.

این‌که آموزه‌های اسلامی را معیار در نظر می‌گیریم و در پی تجویز مفاهیم و شاخص‌های برگرفته از آن برمی‌آییم، مبتنی بر سه پیش‌فرض اساسی است که در پرتو آن، چنین رویکردی قابل دفاع خواهد بود: اول آن‌که اسلام و آموزه‌های آن، نوعی «سیستم مفهومی» کامل است. دوم آن‌که پس از باور به حقانیت اسلام، میزان تعهد به آموزه‌های آن می‌تواند حالت تشکیکی و سلسله مراتبی داشته باشد. سوم آن‌که جامعیت دین اسلام، همه جنبه‌های زندگی انسان را در بر گرفته است و او را همواره در گزینش مسیر درست زندگی یاری می‌کند.

به این نکته نیز باید توجه داشت که لزوماً سبک زندگی دینی منحصر به یک نظام الگویی و رفتاری نیست، بلکه در محدوده چارچوبی برآمده از اصول اسلامی، سبک‌های متعددی را می‌توان پذیرفت. سیره عملی پیامبر گرامی اسلام و اهل بیت در رویارویی با یاران خود نیز نشان می‌دهد که ایشان، اختلاف سبک را می‌پذیرفتند. پس می‌پذیریم ارزش‌ها و نگرش‌های همسان، لزوماً به سبک زندگی یکسان نمی‌انجامد. البته برخورداری از سبک زندگی یکسان هم لزوماً به معنای بهره‌مندی از باورها و ارزش‌های همسان نیست، اما با توجه به ویژگی انتخاب‌گری که در سبک زندگی وجود دارد، می‌توان هر مجموعه منسجمی از الگوهای رفتاری برآمده از آموزه‌های دینی را که در چارچوب معین شده از طرف دین قرار داشته باشد، نوعی سبک زندگی دینی به شمار آورد.

بدین ترتیب، برای تأمین هدف در رسیدن به سبک زندگی دینی، به ویژه به عنوان استنتاج چارچوب کلان و استنباط الگوهای کلی، از نظر روشی باید حرکت از کلی به جزئی و از امور ثابت به سویی امور متغیر و زمان‌مند صورت بگیرد. بر این اساس، خطوط کلی و باورهای اصلی، مثل نگرش به هستی، به خویشتن و به نوع انسانی، در رده‌های اول جای می‌گیرد. اگر این موارد بر اساس نگرش‌های اسلامی شکل گرفت، آن‌گاه در مراتب بعدی، تصمیم‌گیری درباره بسیاری از موارد عینی و رفتارهای جزئی، آسان خواهد بود.

پس از آن‌که الگوهای زیست مؤمنانه از آموزه‌های دینی استخراج شد، نوبت به مرحله‌ای می‌رسد که در آن، ذایقه و سلیقه اجتماعی به سویی الگوهای هنجاری و تجویزی هدایت می‌شود. این مرحله، زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که افراد و گروه‌های اجتماعی مطلوبیت این الگوها را به درستی درک و فهم کنند. پس افزون بر توصیف خوب و بد بودن امور، برای نهادینه ساختن الگویی رفتاری باید حس زیبایی‌شناسی مخاطب را نیز تصرف کرد و او را به مرتبه‌ای رساند که مقبولیت این الگوها را با فطرت و نیازهای خود درک کند. این مرحله، نیازمند امکانات و تجهیزات تبلیغی مناسب و سازگار با اقتضائات عصری و اجتماعی، مانند رسانه است. اهمیت این نکته زمانی آشکار می‌شود که بپذیریم سبک زندگی به میزان بسیاری، محل بروز فردیت است و هر شخصی می‌تواند سبک زندگی خاص خودش را برگزیند. بنابراین، نمی‌توان تنها با تکیه بر نهادها و ابزارهای قدرت، الگوهای متناسب با سبک زندگی خاصی را در جامعه ترویج کرد؛ زیرا در این صورت، سبک‌های زندگی موجود در جامعه دچار دوگانگی می‌شود و به ویژه جوانان، حوزه‌های زندگی‌شان را جدا می‌کنند. از این رو، روشن است که آموزه‌های اسلامی چنین رویکردی را در حوزه فرهنگ تأیید نمی‌کند.

برای تبیین جایگاه دین در فرآیند ایجاد سبک زندگی می‌توان از الگوی وبر به عنوان الگوی کنش به معنای عام آن بهره‌برد. بر اساس این الگو، تعامل تمایلات و منابع می‌تواند انتخاب‌های فردی و گروهی یا همان کنش را پدید آورد. مجموع این کنش‌ها، الگوهای را ترسیم می‌کند که آن را «سبک زندگی» می‌توان نامید. بر این اساس، تمایلات و ترجیحات فردی و جمعی، جهت کنش را تعیین می‌کند و منابع در دسترس، که در پیوند با عوامل ساختاری، فرصت‌های زندگی را پدید می‌آورند، بستر بروز کنش را فراهم می‌کنند. (مه‌دوی کنی، 1387: 219) بورديو نیز در تعبیری ساخت‌گرایانه، نظام اجتماعی را مجموعه‌ای از میدان‌ها می‌داند که بر اساس توزیع سرمایه طبقه‌بندی می‌شود و افراد در آن برای کسب بیشتر سرمایه و قدرت به رقابت می‌پردازند. هر فرد بر اساس موقعیت خود با درونی کردن این میدان‌ها، نظام‌های طبقه‌بندی شده‌ای را در ذهن خود پدید می‌آورد. هر یک از این نظام‌ها می‌تواند از یک سو، ظرفیت تولید الگوهای رفتار و از سویی دیگر، ظرفیت طبقه‌بندی و درک اهمیت فعالیت‌ها و محصولات، یعنی تمایلات و ترجیحات را در فرد ایجاد کند. فرد بر اساس ارزیابی یا همان سلیقه، الگوی رفتاری خاصی را برای دستیابی به سرمایه بیشتر (اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین)، در هر میدان برمی‌گزیند. این الگوها و جلوه‌های عینی آنها، سبک‌های زندگی هستند. (بورديو، 1390: 237-245)

// 2. مفهوم سبک زندگی

اگر سبک زندگی را در مفهومی تحت‌اللفظی و خنثی بررسی کنیم، تلقی آن به عنوان امری نوظهور کمی شگفت‌آور خواهد بود؛ زیرا همواره زندگی افراد در زمان‌ها و جوامع گوناگون بر اساس مجموعه‌ای از قواعد و مناسبات معین نظم و نسق می‌یابد و طبعاً می‌تواند واجد سبک قلمداد شود. با این حال، روشن است که در ادبیات علوم اجتماعی، مفهوم سبک زندگی محتوایی فراتر از این دارد و به واسطه این محتوای مشخص، از اصلی‌ترین نشانه‌های تحولات اجتماعی و فرهنگی جوامع مدرن در چند دهه اخیر به شمار می‌رود. سبک زندگی از نظر مفهومی، پیوندی تنگاتنگ و مستقیم با مجموعه‌ای از مفاهیم مانند فرهنگ، رفتار و معنا (نگرش، ارزش و هنجار)، اخلاق، ایندولوژی، شخصیت، هویت، خلاقیت، تولید، کار، سرمایه، مصرف، طبقه اجتماعی، سلیقه و نیاز دارد و روشن است بدون شناخت این روابط، از مفهوم «سبک زندگی» و نظریه‌های مربوط به آن درک درستی نخواهیم داشت.

ترکیب «سبک زندگی» که امروزه در زبان انگلیسی به صورت «Lifestyle» به کار می‌رود، در کتاب‌های لغت به معنای روش خاصی از زندگی و فعالیت شخص یا گروهی آمده است. (Oxford Advanced Learner, 2006: "Lifestyle") پی‌گیری تاریخی مفهوم سبک زندگی، ما را به مواردی از به کارگیری آن در متون جامعه‌شناسی سال‌های آغازین قرن بیستم رهنمون می‌شود. از آثار وبر می‌توان دریافت او به مفهومی ناظر بر

ارزش‌ها و رسم‌های مشترکی که به گروه احساس هویت می‌بخشد، توجه داشته است. (هندری و دیگران، 1381: 232) از آنجایی که مفهوم سبک زندگی نزد وبر ذیل مقوله «منزلت» تعریف می‌شد، تقریباً معنایی مترادف با فرهنگ می‌یافت، اما در ادبیات جدید جامعه‌شناسی فرهنگ و مطالعات فرهنگی، اساساً سبک زندگی امری متفاوت از فرهنگ و مرتبط با آن تعریف می‌شود. این تفکیک بیش از هر چیز به سبب نسبتی است که میان مفهوم سبک زندگی با گسترش فردیت و اخلاق فردگرایانه در جامعه جدید برقرار می‌شود. البته نباید انکار کرد که در عین حال، سبک زندگی امری اجتماعی است. به عبارت دیگر، می‌توان آن را پازلی دانست که اجزای به‌یادماندنی آن را می‌سازد. این سلیقه، به‌شدت سیال و متغیر است، ولی همان باورها و ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی در جهت‌دهی این سلیقه اثرگذار است.

باید مفهوم جدید سبک زندگی را در نسبت مستقیم با تحولات اندیشه در علوم اجتماعی و هم‌زمان با دهه‌های پایانی قرن بیستم ارزیابی کرد که به اهمیت یافتن بیشتر مفهوم فرهنگ و مشتقات آن در علوم اجتماعی انجامید و اصلی‌ترین وجه آن، انتقال مرکز ثقل جامعه جدید از تولید به مصرف و از اقتصاد به فرهنگ بود. تغییرات گسترده اجتماعی در طول یک قرن، شکل‌بندی جامعه را کاملاً دگرگون ساخته بود. در این زمینه می‌توان به پدید آمدن طبقه متوسط جدید و رو به گسترشی اشاره کرد که بخش اعظم صحنه اجتماعی را اشغال می‌کند. در چنین وضعیتی که از قدرت تحلیل‌های طبقاتی کاسته شده بود، مفهوم سبک زندگی جای‌گزین طبقه و مشتقات آن شد. از این‌رو، افزون بر این‌که پیدایش «سبک‌های زندگی»، ویژگی بارز وضعیتی شد که از آن با تعبیری چون جامعه اطلاعاتی، جامعه پسا صنعتی و وضعیت پست مدرن یاد می‌شود، این مفهوم، به عنوان ابزار تحلیلی مناسبی برای سنخ‌شناسی و دسته‌بندی افراد این جامعه نیز برگزیده شد. (بورديو، 1390: 286 و 337؛ گیدنز، 1387: 120)

شاخص‌هایی مانند الگوی مصرف، شیوه گذران اوقات فراغت، الگوهای مربوط به شیوه تمرکز بر علاقه‌مندی‌ها، آداب معاشرت، الگوهای زندگی خانوادگی و بهداشت و سلامت نشان می‌دهد اندیشمندان در مطالعات خود درباره سبک زندگی، به محوری عمومی توجه کرده‌اند که می‌توان از آن با عنوان کلی «سلیقه» یاد کرد. (مهدوی کنی، 1386: 216) از نظر بورديو، سلیقه مبنای همه چیزهایی است که فرد در اختیار دارد و هویت فرد را برای دیگران رقم می‌زند. از این‌راه، فرد خود را طبقه‌بندی می‌کند و به وسیله دیگران نیز طبقه‌بندی می‌شود. (بورديو، 1390: 93) بدین ترتیب، سبک زندگی، نمادی از نظام قشربندی اجتماعی خواهد بود و در واقع، سلیقه محدود به انتخاب‌هایی از میان گزینه‌های معین و متعدد است. به مرور زمان و در فرآیند تاریخی، توجه اندیشمندان برای بررسی سبک زندگی، از توجه محض به رفتارهای مصرفی و تکیه بر رفتارهای عینی، به سوی جنبه‌های ذهنی‌تر مانند روابط انسانی و گرایش‌ها و نگرش‌ها سوق یافته است. (گیدنز، 1387: 120) بنابراین، سبک زندگی از فرهنگ زاده می‌شود و در پرتو سه نظام در هم تنیده بینش، گرایش و کنش برخاسته از فرهنگ رشد می‌کند. در مقابل، سبک زندگی در توسعه و نفوذ فرهنگ در بخش‌های گوناگون جامعه اثرگذار خواهد بود، اما روشن است که فرهنگ نیز متأثر از عوامل متعددی است که دین و آموزه‌های وحیانی مهم‌ترین عامل آن است.

// 3. سبک زندگی دینی

اگر دین را مایه سعادت بشر در همه شئون فردی، اجتماعی و تاریخی بدانیم، لازمه چنین اعتقادی آن است که آموزه‌های دین را حاکم بر شکل‌گیری همه باورها، ارزش‌ها و هنجارهای لازم برای جهت‌دهی و الگوبخشی به رفتار و کنش انسانی بدانیم. در واقع، محدود نکردن دین به فهم زمانی خاص، باور به تکامل پدیده فرهنگ بشری و سهم بودن اراده انسان‌ها در آن و تبیین درست ارتباط میان فرهنگ متغیر و دین ثابت، ما را به این دیدگاه رهنمون می‌شود که دین و آموزه‌های وحیانی آن می‌تواند منشأ شکل‌گیری فرهنگ باشد.

دین به عنوان نوعی از هدایت الهی، دگرگونی و آثار عمیق و وسیعی را در اندیشه و روح انسان‌ها پدید می‌آورد. در پرتو این دگرگونی که نظام شناخت‌ها و باورها، ارزش‌ها و گرایش‌ها و رفتارها و کردارهای انسان را در بر می‌گیرد، استعدادهای درونی و فطری بشر شکوفا و هدایت می‌شود و در مسیری ویژه به تکامل می‌رسد. در این راستا، اگر دینی، گرایش‌های جهانی بیشتری داشته باشد و بتواند معیارهایش را بر شمار بیشتری از افراد با فرهنگ‌های مختلف تطبیق دهد، فرهنگ‌سازتر خواهد بود. البته همواره اثرگذاری دین به معنای تغییر در فرهنگ گذشته یا راه‌اندازی فرهنگ کاملاً متفاوت نیست، بلکه دین می‌تواند درباره به خدمت گرفتن شاخص‌های مناسب فرهنگ گذشته، اگر مغایرتی با آموزه‌های دینی نداشته باشد، توجه و آن را تأیید کند؛ زیرا آنچه با استعانت از نیروی عقلانی حاصل شده، از مواهب الهی به شمار می‌رود و در هندسه معرفت دینی می‌تواند جایگاهی رفیع داشته باشد. (جوادی آملی، 1387: 15) پس دین در رابطه‌ای طولی، فرهنگ جامعه را شکل می‌دهد. فرهنگ نیز نظام معنایی خاصی را برای زندگی فردی و اجتماعی تعریف می‌کند و این نظام معنایی، سرچشمه و خاستگاه مجموعه در هم تنیده‌ای از الگوهای خاص برای زندگی است که کل منسجم و متمایزی را در قالب سبک زندگی پدید می‌آورد. در این زمینه، زیمل با توجه خاص به نقش دین در شکل‌گیری سبک زندگی، بر این باور است که در موقعیت‌های برآمده از ناسازگاری درونی انسان، دین به عنوان شیوه زیستن دیده می‌شود، اما منظور آن نیست که ما دین را شبیه ملودی خاصی در سمفونی حیات ببینیم، بلکه به کلیدی می‌ماند که کل اثر بر اساس آن اجرا می‌شود. (زیمل، 1388: 91) ویژگی مهم روش وبر نیز در کتاب اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری، نشان دادن وجوه مطابقت یا هم‌خوانی میان گرایش‌های ذهنی بر اساس نظام‌های معنایی است. او برای این‌که گرایش‌ها و باورهای دینی را عاملی مستقل و مهم در توسعه اقتصادی جدید در نظر بگیرد، این ماجرا را از راه ردیابی شیوه‌ای بررسی کرده است که اندیشه‌های الهیاتی بر اساس آن، به علایق صرفاً دینی معتقدان پاسخ می‌دهند. (وبر، 1374: 134 - 156) بر این اساس، اگر بخواهیم وجوه گوناگون سبک زندگی را در چارچوب آموزه‌های دین اسلام، مطالعه و وضعیت هنجاری و شایسته آن را از این آموزه‌ها استنتاج کنیم، باید به بررسی جنبه‌های متعدد و متنوع سبک زندگی در سه دسته کلی نگرش، گرایش و کنش بپردازیم. بخش نگرش ناظر به مجموعه‌ای نظام‌مند از باورهای دینی است که هویت انسان بر اساس آن تعریف و ترسیم می‌شود. بخش گرایش حاکی از ارزش‌ها و هنجارهایی است که به سلیقه و توانایی ترجیح افراد و گروه‌های اجتماعی جهت می‌دهد. بخش کنش نیز مشتمل بر الگوها و شیوه‌های رفتارهای عینی برگرفته از آموزه‌های اسلامی است. بدین ترتیب، سرمایه فرهنگی برآمده از جهان‌بینی و نظام معنایی دین اسلام، در کنار نمادهای آیینی و شعائر دینی، می‌تواند مجموعه پیروان اسلام را به صورت منسجم در شکل‌دهی ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و سلاقی و ترجیحات برآمده از آن یاری دهد. البته این موضوع می‌تواند به شکل‌گیری الگوهای ویژه‌ای برای زندگی بینجامد و نوعی از سبک زندگی دینی را پدید آورد. در سطح باور اسلامی، توجه به مواردی همچون برخورداری انسان از فطرت الهی (روم: 30)، 6 اصالت و تقدم جنبه روحانی انسان (بقره: 156) و اختیار انسان در انجام اعمال خود (انسان: 3)، 8 با سبک زندگی ارتباط بیشتری دارد. در سطح گرایش نیز مطلوب بودن هر چیزی در فرهنگ اسلامی، بر اساس نقشی تعریف می‌شود که در سعادت انسان و نزدیکی او به خدا دارد. معرفی گروه‌های مرجع نیز در آموزه‌های اسلامی، بخشی از ارزش‌های دینی و هدایت سلیقه افراد و گروه‌های اجتماعی به شمار می‌آید که قابل ارزیابی است. 9 گروه‌های مرجع دو کارکرد اصلی دارند: اول آن‌که هنجارها، رویه‌ها، ارزش‌ها و باورهایی را به دیگران القا می‌کنند؛ دوم آن‌که معیارهایی را در اختیار کنش‌گران قرار می‌دهند تا کنش و نگرش خود را بر اساس آن محک بزنند. (صدیق سروستانی و هاشمی، 1381: 150) در این راستا، پیامبر گرامی اسلام، برترین اسوه در جامعه اسلامی است (احزاب: 21/10) که می‌تواند در همه زمینه‌ها الگوی همگان باشد.

به دلیل آنکه جامعیت دین اسلام، جنبه‌های اعتقادی، اخلاقی و عملی زندگی انسان را به یکدیگر پیوند می‌زند و ایمان و عمل را در کنار یکدیگر می‌طلبد (بقره: 82؛ رعد: 29)، 11 به گونه‌ای آموزه‌های این آیین شده که همواره به جلوه‌های بیرونی و عینی اعتقاد و ایمان قلبی توجه و چگونگی آن را تبیین کرده است. قرآن که مهم‌ترین منبع آموزه‌های اسلامی به شمار می‌رود، سرشار از الگوهای است که شیوه زیست مؤمنانه را از نظر اسلام معرفی می‌کند. در پرتو آیات قرآن، شیوه زیستن پیامبر گرامی اسلام که در قالب رفتار و کردار آن حضرت در تاریخ ثبت گشته، به عنوان اسوه و نمونه عالی زندگی به مسلمانان معرفی شده است. همچنین روایات و حکایات فراوانی از اهل بیت: در اختیار جامعه مسلمان قرار دارد که با الهام از آموزه‌های نورانی قرآن کریم، مصادیق عینی‌تر و ملموس‌تری از شیوه‌ها و الگوهای زندگی مبتنی بر آموزه‌های دینی را تبیین و معرفی کرده‌اند. در همین راستا، شاهد هستیم اندیشمندان مسلمان در سده‌های گذشته و با اثرپذیری ژرف از این منابع و گنجینه‌های ارزشمند، آثاری را تألیف و در لایه‌های آن، دیدگاه‌های استنباطی و اجتهادی خود را درباره الگوهای زندگی، متناسب با آموزه‌های اسلامی بیان کرده‌اند. بدین ترتیب، می‌توانیم میراث گران‌قدری را که درباره معرفی سبک زندگی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی در اختیار داریم، در قالب چهار گروه اصلی، شامل قرآن کریم، سیره پیامبر گرامی اسلام، جوامع روایی و حدیثی و دستاوردهای علمی و فکری اندیشمندان مسلمان، دسته‌بندی و برای هدف این نوشتار که شناسایی و ارائه الگوهای اسلامی برای کار و فعالیت جوانان است، به آنها مراجعه کنیم.

// 4. نقش الگوهای رفتاری اسلام در هدایت جوانان به سوی کار و تولید

پیوند خاص انسان با جهان طبیعت و نعمت‌ها و امکانات الهی در دنیای مادی، یکی از مبانی تفکر اسلامی است. بر این اساس، نوع رفتار آدمی و سبک زندگی او در پیدایش و افزایش یا کاهش نعمت‌های جهان، نقش‌آفرین است 12 و انسان می‌تواند با عمل خویش، جهان را شکل دهد و از امکانات طبیعت در جهت آبادانی زمین و ایجاد تمدنی بالنده بهره‌برد. (جوادی آملی، 1388: 173) با توجه به این نکته، باید پیوند انسان با جهان طبیعت و تکلیف وی در برابر نعمت‌های هستی را بشناسیم. از نظر اسلام، پیوند انسان با طبیعت، در حالی که ارزش وجودی خود را بشناسد و آن را در چارچوب رابطه با خدا حفظ کند، پیوند تسخیری خواهد بود؛ (همان: 168) یعنی می‌تواند با انان الهی از همه امکانات طبیعت در راه پیشبرد اهداف فردی و مصالح اجتماعی بهره‌برد.

همچنین در فرهنگ قرآن، هر نعمتی از جانب خداست. (نحل: 53) 13 از این رو، یکی از سنت‌های الهی آن است که خدا، نعمت را سلب یا به نعمت تبدیل نمی‌کند، مگر آن‌که افراد برخوردار از این نعمت‌ها، اخلاق و ویژگی‌های نفسانی خود را دگرگون سازند. (انفال: 53) 14 به عبارت دیگر، انسان برخوردار از نعمت، اختیار دارد که با حسن استفاده از نعمت، هم از تداوم آن نعمت و هم از نعمت‌های دیگر بهره‌مند شود یا آن‌که با سوء انتخاب خود، نعمت را به نعمت تبدیل کند و افزون بر گرفتاری در رنج و زحمت، از فیض خاص الهی نیز محروم شود. پس کردار نیک یا زشت انسان در پیدایش یا کاهش نعمت‌های جهان، نقش و اثر بسیار مهمی دارد. 15 انسان خلیفه خداست و جهانی مسخر او گشته است. از این رو، باید بکوشد از نعمت‌های هستی در مسیر صلاح و فلاح خود بهره‌گیرد. بنابراین، آموزه‌های اسلامی از انسان، کار و تلاش را می‌طلبد و نبود تلاش و فعالیت، بر فرد و جامعه اثر عمیقی می‌گذارد. کار در نظام ارزشی اسلام، به عنوان راز آفرینش و حکمت وجود (جوادی آملی، 1388: 234) مطرح می‌شود و آدمی جوهر وجودش را با تلاش جلوه‌گر می‌سازد و ارزش حقیقی‌اش را با کار تعیین می‌کند. خدای سبحان که انسان را از زمین آفریده، او را به عمران و آبادانی زمین نیز فرمان داده است. 16 به همین دلیل، انسان مسلمان که هستی را فراتر از ماده می‌بیند، به کار نیز با دید وسیع‌تری می‌نگرد و با تقدس بخشیدن به آن، عرصه‌های فعالیت را گسترده‌تر می‌سازد. بر اساس آموزه‌های آسمانی اسلام، همواره انسان باید در عرصه‌های گوناگون زندگی، که تأمین نیازهای اقتصادی و معیشتی بخشی از آن است (نبا: 11؛ ملک: 15؛ نحل: 114)، 17 به صورت جدی و مستمر بکوشد تا در پرتو چنین تلاشی جامعه نیز به اهداف عالی خود دست یابد.

اسلام بر اساس چنین بینشی، بر کار و تلاش خستگی‌ناپذیر جوانان به عنوان يك الگوی رفتاری تأکید می‌کند (متقی هندی، 1413: ج 3: 9056: 892؛ نوری طبرسی، 1408: ج 13: 460) تا جامعه اسلامی بتواند به اهداف عالی اجتماعی‌اش دست یابد. در برابر، کم‌کاری و تنبلی جوانان و نیروی فعال جامعه نیز به شدت نکوهش می‌شود (حر عاملی، 1414: ج 17: 58) و رخوت و سستی، از منفورترین خصوصیات اخلاقی شمرده شده است که دنیا و آخرت انسان را تباه می‌کند. (همان: ج 16: 20860: 22) بنابراین، جوان مسلمان با تبعیت از این الگوی رفتاری می‌تواند کار و تلاش خود را نوعی عبادت به شمار آورد؛ 18 زیرا آنچه در فرهنگ اسلامی به عنوان دنیا نکوهش شده، چیزهایی است که انسان را از یاد خدا غافل می‌سازد (جوادی آملی، 1388: 240) و او را از مقصود اصلی آفرینش دور می‌کند. بر این اساس، زندگی دنیا به خودی خود، منفی نیست، بلکه مقدمه و پل زندگی اخروی به شمار می‌آید و می‌تواند ارزش مثبت باشد؛ 19 زیرا اعمال و رفتار اختیاری انسان‌ها در دنیا زندگی آخرت را می‌سازد و به آن شکل می‌دهد. (آل عمران: 185) در پرتو چنین رویکردی، زندگی دنیا می‌تواند ارزش والایی داشته باشد. از این رو، تفاوت آن با آخرت در این است که یکی زندگی فعلی و نزدیک‌تر، و دیگری زندگی آینده و دورتر را نشان می‌دهد. (مصباح یزدی، 1378: ج 1: 220)

اسلام بر عامل کار در چارچوب توسعه اقتصادی، تأکید بسیاری داشته و هر فعالیت مفید تولیدی، به ویژه در حوزه کشاورزی، دامپروری و صنعت، در فرهنگ اسلام جایگاه والایی دارد، به گونه‌ای که پیامبر گرامی اسلام، دست کارگری را گرفت و بر آن بوسه زد و فرمود: «هَذِهِ يَدٌ لَا تَمْسُهَا النَّارُ أَبَدًا» این دستی است که هرگز آتش به آن نمی‌رسد. (محمدی ری‌شهری، 1382: ج 1: 17)

در آموزه‌های اسلامی برای سامان بخشی به اقتصاد جامعه، اصول و ضوابطی مطرح شده است که با رعایت آن، جوانان جامعه اقبال مناسبی به کار نشان می‌دهند و نیازهای جسمی و روحی آنان نیز تأمین می‌شود. تخصص و تعهد، دو اصل اساسی است که انسان را در حوزه مسئولیت کاری خود، از انضباط و وجدان کاری مناسب برخوردار می‌سازد. (مجلسی، 1403: ج 10: 143) به ویژه تعهد جوان مسلمان سبب می‌شود وی در انتخاب حرفه، نیاز جامعه و سود اقتصادی عموم را در نظر بگیرد (کلینی، 1426: 650) و به شغل‌های کاذبی روی نیابد که درآمدهای کلان شخصی دارد، ولی به اقتصاد جامعه خسارت وارد می‌کند. همچنین اسلام سفارش می‌کند انسان هر کاری را با استحکام و به درستی انجام دهد. (مجلسی، 1403: ج 6: 220) به همین دلیل، از کم‌کاری، خیانت و تزویر در کار، نیرنگ و پنهان کردن حقیقت، به شدت نکوهش شده است (اعراف: 85). 20 اصل دیگر، پایداری در کار است که از نظر قرآن کریم، موجب تقویت و آرامش دل (فصلت: 30) 21 و وسعت رزق (جن: 16) 22 می‌شود. اخلاص در کار، به آن رنگ تقدس می‌بخشد و جنبه عبادی کار را تقویت می‌کند. همچنین کار باید هدف‌مند باشد و همراه با خلاقیت و در مجموعه‌ای در هم تنیده، همه نیازهای واقعی جامعه بشری را به شکلی مناسب برطرف کند. (جوادی آملی، 1388: 257 - 264)

// 5. رابطه اوقات فراغت با کار و تولید

اوقات فراغت و شیوه گذران آن، از مسائلی است که با دگرگونی نظام اجتماعی در دوران گسترش صنعت و سازمان‌یافتگی بیشتر اشتغال، از اهمیت بیشتری برخوردار گردیده است. (رفعت‌جاه، 1390: 152) هر جامعه‌ای بر اساس ارزش‌های اجتماعی حاکم بر فرهنگ خود و ریشه‌های

معرفتی آن، الگوهای گوناگونی را برای گذران اوقات فراغت برگزیده است. گوناگونی و تنوعی که در شیوه گذران اوقات فراغت وجود دارد، آن را به ابزار مناسبی برای درک سبک زندگی تبدیل می‌کند. (فکوهی، 1381: 137) در این میان، الگوهای مورد توجه جوانان، کارکرد مهم تری هم دارد؛ زیرا الگوهای جوانان برای گذران اوقات فراغت می‌تواند تغییرهای ارزشی جامعه و جهت‌گیری‌های جدید اجتماعی را آشکار سازد تا جایی که می‌توان گفت رفتار جوانان، تابلویی از ارزش‌ها و سبک زندگی آینده نزدیک هر جامعه به‌شمار می‌رود. بر این اساس، برای شکل‌دهی سبک زندگی مطلوب باید برای عرصه فراغت و به ویژه الگوهای گذران اوقات فراغت جوانان برنامه‌ریزی کرد. البته این عرصه به دلیل الزام‌های کمتر و آزادی عمل بیشتر، انعطاف بسیاری برای تغییر و تحول دارد و روحیه تغییرپذیری جوانان نیز این ویژگی را تقویت می‌کند. در چنین وضعیتی، نقش بی‌بدیل رسانه‌های جمعی دیداری و شنیداری و حساسیت اقدامات آنها کاملاً نمایان می‌شود. تأکید رسانه‌های همگانی بر الگوهایی که پایگاه معرفتی مناسبی در چگونگی گذران اوقات فراغت ندارند یا تبلیغ نادرست الگوهایی که اصالت دینی دارد، در رسانه‌های جمعی همواره اثر معکوس خواهد داشت. به ویژه آن‌که جوانان جویای تغییر و تنوع طلب، طیف گسترده‌ای از مخاطبان رسانه‌های همگانی را تشکیل می‌دهند؛ جوانانی که در دوران معاصر، به دلیل طولانی بودن زمان تحصیل، ورود دیر هنگام به بازار کار و افزایش سن ازدواج، زمان نسبتاً طولانی تری را با عنوان روزگار جوانی سپری می‌کنند. ناگاهی، برنامه‌ریزی و اجرای نادرست سیاست‌های فرهنگی - اجتماعی، از عوامل اثرگذار بر تقریحات انحرافی جوانان و نوجوانان در زمان فراغت است. (سازمان ملی جوانان، 1382: 39)

برای آن‌که الگوهای رفتاری اسلام در عرصه فراغت تبیین شود، نخست باید به مفهوم و فلسفه اوقات فراغت در فرهنگ اسلامی توجه کرد؛ زیرا درک و برداشتی که از این مفهوم صورت می‌گیرد، در تعیین الگوها و چگونگی گذران آن اثر قابل توجهی خواهد داشت. در فرهنگ اسلامی، انسان موجودی مسئولیت‌پذیر است که باید در چارچوب نظام معنایی توحیدی، برای لحظه لحظه عمرش، پاسخگو باشد و هیچ زمانی وجود ندارد که فارغ از حرکت در مسیر تکاملی او باشد. بر اساس آیات قرآن (عصر: 1-3)، همه انسان‌ها در برابر از دست دادن سرمایه عمر خود زیان‌کار هستند، مگر کسانی که در مقابل، سرمایه‌های گران‌بها تر به دست می‌آورند (مکارم شیرازی، 1381: ج 27: 293 و 294) و از عمر خود به گونه‌ای بهره‌برداری می‌کنند که در پرتو ایمان حقیقی و با کردار شایسته خویش، اندوخته‌ای مناسب برای مراحل بعدی حیات خویش در وراي این جهان فراهم سازند. بنابراین، هر فعالیتی که جوان مسلمان برمی‌گزیند و حتی استراحت و تفریح او باید زمینه و مقدمه‌ای برای ظهور و بروز استعدادها و خلاقیت‌های خدادادی باشد تا در پرتو آن و با آمادگی بهتر و توانایی بیشتر در مسیر تکاملی خود به سوی هدف خلقت گام بردارد. در واقع، چنین رویکردی، ناظر به مفهوم بهره‌وری و بهره‌مندی بهینه از عمر آدمی است که در روایات اهل بیت: به آن توجه و تأکید شده است. 23

اسلام با تأکید بر آینده‌نگر بودن جوان مسلمان، از پیروان خود انتظار دارد تا در گزینش الگوهای گذران اوقات فراغت، از رویکرد انفعالی بهره‌برند 24 و فعالانه برای غنی‌سازی اوقات فراغت خود بکوشند. امیر مؤمنان، علی 7، یکی از ویژگی‌های مؤمن را فعالیت دایمی او می‌داند (آمدی، 1366: 91) و دنیا را آزمایشگاه الهی معرفی می‌کند که هر کس ساعتی در آن دست از کار بکشد، همین ساعت بی‌کاری، موجب حسرت و پشیمانی او در قیامت خواهد شد. (سید رضی، 1370: نامه 59) به همین دلیل، مشغول شدن به کارهای بی‌هوده و سرگرمی‌های غیر مفید، جزو بدترین چیزهایی دانسته شده است که انسان وقت و عمر خود را صرف آنها می‌کند. (آمدی، 1366: 476) در این زمینه نسبت به جوانان، شاهد توجه و تأکید بیشتری نیز هستیم؛ زیرا جوانان بخش عظیمی از پویاترین گروه‌های اجتماعی به شمار می‌آیند که از یک سو، وجودی سرشار از توان، انرژی و امید دارند و از سوی دیگر، دارای خواست‌های مشروعی هستند که اگر به آنان پاسخی مناسب داده شود، دنیای آنها به دنیای خوبی‌ها، شادی‌ها، بالندگی‌ها و نوآوری‌ها تبدیل می‌شود و رشد شخصیت و شکوفایی استعدادهای آنها را در پی خواهد داشت. از پیامبر گرامی اسلام روایت شده است که یکی از پرسش‌های روز قیامت، پرسش از چگونگی گذران دوران جوانی است. 25 جوانی بخشی از عمر انسان است، اما به صورت جداگانه بر آن تأکید شده تا اهمیت و نقش اثرگذار آن بر همه عمر آدمی را بیان کند.

البته الگوی اسلامی ارائه شده برای گذران اوقات فراغت، بدان معنا نیست که انسان همواره مانند ماشینی مکانیکی کار کند. روشن است که جسم و روان انسان نیازمند استراحت، آرامش، تفریح و تنوع است، 26 اما مهم آن است که در فرهنگ اسلامی، برای این بخش از زندگی نیز چارچوبی در نظر گرفته شده است تا انسان از مسیر درست و صراط مستقیم منحرف نشود. در نیایش امام زین العابدین 7 به خوبی به این نکته مهم اشاره شده است. (فیض‌الاسلام، 1368: دعای 11: 91)

// 6. آثار الگوی اسلامی مصرف بر فعالیت‌های تولیدی

مصرف، هدف تولید و توزیع و هر فعالیت اقتصادی دیگر به شمار می‌رود، اما با تکیه بر فرهنگ هر جامعه‌ای از الگوهای خاصی تبعیت می‌کند و این الگوها می‌تواند در دستیابی یا دست نیافتن آن جامعه به توسعه و پیشرفت، نقش اثرگذاری داشته باشد. به همین دلیل، اسلام سفارش‌های فراوانی درباره رعایت ارزش‌های اخلاقی و تهذیب نفس و بسنده نکردن به علانیت اقتصادی صرف داشته و بر ارزش‌هایی مانند ساده‌زیستی، قناعت و توجه به نیازمندان، تأکید کرده است؛ زیرا از دیدگاه اسلام، تأمین رضایت فرد، تنها انگیزه مصرف نبوده است و باید به رضایت الهی نیز توجه شود و افزون بر جنبه دنیوی باید جنبه اخروی اعمال نیز لحاظ شود. به همین دلیل، اسلام روحیه مصرف‌گرایی مادی را نفی و کسانی را که در زندگی خود هدفی جز لذت ندارند، با لحنی تند نکوهش کرده است. (محمد: 12)

گسترش مصرف‌گرایی، به ویژه در میان جوانان، زمینه‌ساز انواع لغزش‌ها، اسراف‌ها، فخر فروشی‌ها، تباهی‌ها و ناهنجاری‌ها می‌شود. به همین دلیل، بخشی از آیات قرآنی به فرهنگ‌سازی درباره مصرف و آموزش درست مصرف کردن اختصاص یافته است. بنابراین، جامعه مسلمان همواره باید با نگاه به الگوی مطلوب اسلامی، شیوه مصرف موجود در جامعه را با جدیت و به صورت مستمر و دایمی پالایش کند و به تراز مطلوب اسلامی نزدیک سازد. در نظام اقتصادی اسلام، مسلمانان تشویق شده‌اند که انگیزه مصرف خود را برای آنچه خلق شده‌اند، اصلاح سازند و آن را وسیله کمال خود قرار دهند. مدیریت منابع نیز که در روایات از آن با عناوینی مانند اقتصاد و تقدیر معیشت نام برده شده است، در اصلاح الگوی مصرف و تطبیق آن با الگوی مطلوب اسلامی نقش به‌سزایی دارد. امام علی 7، اقتصاد و میانه‌روی در هزینه‌های زندگی را شیوه مؤمنان، خیری از جانب خدا برای بندگان، موجب سلامت و خوشبختی و مقدمه بی‌نیازی معرفی کرده است. (تیمی آمدی، 1366: 353 و 354)

مصرف بیش از حد منابع، سهمی را که باید صرف امور زیربنایی جامعه شود، در جهت مصارف بدون اولویت و زودگذر به کار می‌گیرد، اما مدیریت صحیح منابع در پرتو آینده‌نگری و برنامه‌ریزی می‌تواند منابع موجود در جامعه را به مسیر مصرف درست هدایت کند و افزون بر بهره‌مندی همه اعضای جامعه، نسل‌های آینده را نیز از آن برخوردار سازد. از امیر مؤمنان علی 7 روایت شده است: «قَوِّمِ الْعِشَّ حُسْنَ التَّقْدِيرِ وَ مِلَّاكَةً حُسْنَ التَّدْبِيرِ؛ پایداری زندگی به برنامه‌ریزی درست و وسیله رسیدن به آن، مدیریت صحیح است.» (همان، 1366: 354) همچنین میانه‌روی در مصرف، سبب حفظ کرامت ذاتی انسان و عزت جامعه اسلامی می‌شود. به همین دلیل، در آموزه‌های اسلامی، دراز کردن دست نیاز به سوی دیگران، موجب خواری انسان در دنیا معرفی و از آن نهی شده است. این مسئله می‌تواند در جنبه اجتماعی، سبب مخدوش شدن استقلال و عزت جامعه اسلامی شود. بر اساس قاعده نفی سبیل، 27 هر عاملی که عزت و استقلال جامعه اسلامی و افراد آن را مخدوش کند، مردود اعلام شده است. بنابراین، مدیریت منابع، میانه‌روی و اعتدال در مصرف، در سطح اجتماعی اهمیت بسیاری دارد.

حال پس از بیان ویژگی‌های مورد نظر آموزه‌های اسلامی درباره الگوهای مصرف در جامعه، به این نکته اساسی بازمی‌گردیم که اگر بنا باشد الگوی مصرف به عنوان یکی از مهم‌ترین مصادیق سبک زندگی، در جامعه دینی گسترش یابد، باید در چارچوب نظام معنایی توحیدی باشد. به عبارت دیگر، گرایش‌ها و سلیقه‌هایی که الگو یا الگوهای خاصی را برای مصرف در جامعه دینی شکل می‌دهند، باید برگرفته از بینشی باشد که در آموزه‌های وحیانی ریشه دارد که بار دیگر نقش بی‌بدیل رسانه در شکل‌دهی و تثبیت و نهادینه ساختن چنین الگوهایی به روشنی خودنمایی می‌کند. امروزه رسانه‌ها با معرفی انواع کالاها، کاربردها و زمینه‌های استفاده از آنها و با بهره‌گیری از انواع شیوه‌های تبلیغی، نوعی خلایق را در زمینه مصرف ایجاد می‌کنند. در کشوری مانند ایران که رسانه‌های آن به ویژه رسانه ملی، داعیه ترویج و تثبیت اصول و آموزه‌های اسلامی را دارد، بر خلاف دیگر کشورها که با تبلیغات اغواگرانه و غلبه عواطف بر تعقل و تفکر، مخاطبان به ویژه جوانان را به خرید محصولات جدید و الگوهای تازه تشویق می‌کنند، باید رویه‌ای متفاوت حاکم باشد و با هدف گسترش الگوی مصرف از نظر اسلام، بر آموزه‌هایی مانند اعتدال، قناعت و ساده‌زیستی تأکید شود.

// 7. الگوی رفتاری اسلام درباره سرمایه

اسلام اصل مالکیت خصوصی را امضا و تأیید کرده است و بر اساس آن، هر فردی مالک دست‌رنج خویش است و دیگران بدون اجازه و رضایت او حق تصرف در آن را ندارند. (محقق داماد، 1383: 227؛ عمید زنجانی، 1386: 124 و 125) از سوی دیگر، از نظر آموزه‌های اسلامی، چنین مالکیتی، مالکیت اعتباری به شمار می‌رود و مالک حقیقی، خداست²⁸ و انسان، امین در نگهداری و نایب در تصرف اموال تلقی می‌شود. (نور: 33؛ حدید:

(7)

از آموزه‌های اسلامی درمی‌یابیم اسلام، مجموع اموال را برای اداره مجموع انسان‌ها می‌داند. (جوادی آملی، 1388: 49) بنابراین، اصل مالکیت خصوصی نباید مانع محرومیت بخشی از جامعه از رفاه و آسایش و تأمین نیازمندی‌ها شود. ثروت و مال، خونی است که در رگ‌های جامعه جریان دارد و هرگاه بخشی از جامعه از این مال محروم باشد، همانند جزئی از بدن است که به آن خون نمی‌رسد و فاسد و ضایع می‌شود. به همین دلیل، اسلام، در الگوهای پیشنهادی خود برای مصرف، بازتوزیع ثروت را در جامعه با شیوه‌های گوناگون ترویج و سفارش کرده است تا عدالت اقتصادی در جامعه برقرار گردد و فاصله طبقاتی میان گروه‌های گوناگون جامعه کاهش یابد. احتکار ثروت و مال²⁹ اندوزی که ثروت را از گردش اجتماعی آن خارج می‌کند و در انحصار گروه یا طبقه خاص قرار می‌دهد، در همین راستا به شدت نکوهش شده است. (توبه: 34)

البته در اسلام، مواسات به معنای شریک ساختن دیگران در اموال و دارایی خویش و همچنین ایثار به مفهوم برتر شمردن و مقدم داشتن دیگران در اموال خویشان برای جلب رضایت خدا و گونه‌های دیگر نوع دوستی اجتماعی مانند تعاون و تعاطف، توصیه و برای بازتوزیع درآمد همگانی و ثروت جامعه به سود نیازمندان، بر کار و تلاش فردی نیز تأکید شده است. بنابراین، حرکت به سمت اشتغال کامل جوانان و نیروهای فعال اجتماعی، یکی از راهکارهای اساسی برای ایجاد عدالت اقتصادی است که هم اعضای جامعه و هم حکومت اسلامی باید برای تحقق آن گام بردارند.

امام صادق⁷ به یکی از یاران خود سفارش کرد که ای بنده خدا عزت خود را حفظ کن. عرض کرد: فدایت شوم، عزت من در چیست؟ فرمود: صبحگاهان برای کسب و کار از خانه بیرون رفتن و نفس خود را از نیازمندی به دیگران حفظ کردن. (حرّ عاملی، 1414: ج 17: ح 21855: 13) همچنین ایشان کسی را که به دلیل بی‌نیازی از کار، قصد ترک تجارت را داشت، از این کار منع کرد. (همان: ج 17: ح 21863: 16)

// 8. نقش رسانه در تبیین الگوهای اسلامی برای کار و تولید جوانان

رسانه‌ها از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر شکل‌گیری یا تغییر سبک‌های زندگی به شمار می‌روند. در جهان امروز بسیاری از کشورها با ابزار رسانه در پی تثبیت فرهنگ خود هستند و هم از آن برای معرفی فرهنگ خویش به دیگر جوامع بهره می‌برند. طبیعی است جوامع برخوردار از ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته‌تر یا محصولات رسانه‌ای جذاب‌تر، در زمینه فرهنگی، پیشروی سریع‌تری داشته باشند و موقعیت فرهنگی آنان برتر باشد. رسانه‌ها در جامعه ایرانی به ویژه تلویزیون، خواسته یا ناخواسته در الگوسازی برای جامعه نقش پررنگی دارند. توجه به این مسئله، اهمیت برنامه‌ریزی فرهنگی و دینی را در مجموعه رسانه‌های همگانی موجود در جامعه اسلامی نشان می‌دهد. زمانی پیچیدگی و دشواری این برنامه‌ریزی فرهنگی آشکار می‌شود که بخواهیم الگوهای مناسب دینی را متناسب با سلیقه افراد جامعه ارائه کنیم. در واقع، هیچ‌گاه نمی‌توان سلیقه خاص را با توسل به روش‌های قهرآمیز بر کل جامعه تحمیل کرد و این کار از نظر فرهنگی عملاً ممکن نیست، اما با دقت در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی می‌توان با اصلاح باورها و ارزش‌های اجتماعی و تثبیت و نهادینه ساختن ارزش‌های دینی در جامعه، مسیر را برای سوق دادن سلیقه افراد و گروه‌های اجتماعی به سوی گزینش اختیاری و ترجیحی الگوهای رفتاری متناسب با آموزه‌ها و مطالبات دینی هموار ساخت.

برای جمع‌بندی مطالب این نوشتار می‌توان گفت در جامعه مطلوب اسلامی، از رسانه همگانی انتظار می‌رود که بر خلاف روند افسارگسیخته فعالیت رسانه‌ای در جوامع غیر دینی، به گونه‌ای عمل کند که دانشگاه انسان‌سازی باشد و به اندیشه انسان‌ها عمق ببخشد، نه آن‌که نتیجه فعالیت آن، گسترش سطحی‌نگری باشد. رسانه همگانی در جامعه دینی باید با فعالیت در چارچوب نظام معنایی توحیدی و تعهد نسبت به آموزه‌های دین، به گونه‌ای عمل کند که فطرت آدمی را بیدار نگاه دارد و به مخاطب خود، انگیزه کافی برای گزینش الگوهای مناسب با سبک زندگی دینی اعطا کند. گام مقدماتی برای در پیش گرفتن چنین رویکردی، آشنایی دقیق و درست برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران و مجریان رسانه با روح حاکم بر آموزه‌های اسلامی است. هرگاه این گام مقدماتی برداشته شود، آن‌گاه در چارچوب برگرفته از آموزه‌های دین می‌توان انتظار داشت که رسانه در جامعه اسلامی به نقش محوری و اساسی خود عمل کند و کارکردی را داشته باشد که از آن انتظار می‌رود.

در این صورت، رسانه می‌تواند با بهره‌گیری از الگوهای اسلامی و ترویج آن در سطح جامعه، نگرش‌های اجتماعی درباره نقاط تمرکز علاقه‌مندی جوانان را به صورت دایمی، اصلاح و پالایش کند. تبلیغ و ترویج الگوهای اسلامی کار، الگوهای اسلامی مصرف، الگوهای اسلامی گذران اوقات فراغت و نگاه اسلام به سرمایه، همگی می‌تواند سلیقه، تمایلات و ترجیحات جوانان را به گونه‌ای اصلاح و تعدیل سازد که در نهایت او را به سوی گزینش سبک زندگی اسلامی بکشاند و در این چارچوب، حتی استراحت و تفریح او را به زمینه‌ای مناسب برای تلاش و سازندگی خلاقانه تبدیل کند.

1. [2. Max Weber. 3. Thorstein Bunde Veblen. 4. Pierre Bourdieu. 5. Field. 6. Taste. 7.1](#) [com](#)). «فَأَقْمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا؛ پس روی خود را با گرایش تام به حق، به سوی این دین کن. یا همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است». 8. «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» [همان] کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد، می‌گویند: ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز گردیم». 9. «إِنَّا هَدَيْنَاهُ

السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا؛ ما راه را بدو نمودیم یا سپاس‌گزار خواهد بود یا ناسپاس‌گزار». 10. گروه □ های مرجع در اصطلاح جامعه □ شناسی به مجموعه □ های انسانی بر خوردار از ویژگی □ های خاص از حیث پایگاه، هنجار و نقش اطلاق می □ شود، که افراد برای داور ی یا ارزیابی خود، آنها را به □ عنوان معیار و میزان مورد توجه قرار داده، و بر اساس آن، بینش، گرایش و کنش خود را شکل می □ دهند. (کونن، 1380: 138). 11. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؛ قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سر مشقی نیکو ست برای آن کس که به خدا و روز واپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می □ کند». 12. «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ؛ و کسانی که ایمان آورده و کار های شایسته کرده اند، آنان اهل بهشتند و در آن جاویدان خواهند ماند». «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحَسُنَ مَا بِهِ كَسَانِي که ایمان آورده و کار های شایسته کرده اند، خوشا با حالشان و خوش سر انجामी دارند». 13. «وَوَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قُرْبَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُمْتَنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ؛ خدا مثلی زده. آبادی که امن [و] آرام بود، [و] روزی □ اش از هر جا فراوان و گوارا به [مردم] □ اش می □ رسید، و [لی] نعمت □ های خدا را ناسپاسی کردند، پس خدا به □ خاطر آنچه همواره با زیرکی انجام می □ دادند، [طعم] پوشش گر سنگی و نرس را به آن [مردم] □ چشاند». (نحل: 12). 14. «وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ...؛ و هر نعمتی که دارید، از خداست». 15. «ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ این [کیفر] بدان سبب است که خداوند نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته، تغییر نمی □ دهد، مگر آنکه آنان آنچه در دل دارند، تغییر دهند». 16. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ...؛ و اگر اهل آبادی □ ها ایمان می □ آوردند و خود نگه داری می □ کردند، حتماً بر کاتی از آسمان و زمین بر آنان می □ گشودیم». (اعراف: 96). 17. «...هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا...؛ او شما را از زمین پدید آورد و در آن شما را استقرار داد». (هود: 61). 18. «وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا؛ و روز را [برای] معاش [شما] نهادیم». «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ؛ او ست کسی که زمین را بر شما رام گردانید پس در فرختای آن رهسپار شوید و از روزی خدا بخورید و رستخیز به سوی او ست». «فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمْ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ؛ پس از آنچه خدا شما را روزی کرده است حلال و پاکیزه بخورید و نعمت خدا را اگر تنها او را می □ پرستید، شکر گزارید». 19. در این زمینه می □ توان به ماجرای اعتراض فردی اشاره کرد که تلاش امام باقر 7 در مزرعه اش را در هوای گرم تابستان، نوعی دنیا طلبی مذموم تلقی کرده بود، اما آن حضرت به او متذکر شد که اگر در این حال از دنیا برود، در حالت طاعت خدا جان داده است. (مجلسی، 1403: ج 46، 287). 20. امیر مؤمنان علی 7 در توصیفی بسیار زیبا، جایگاه دنیا را چنین بیان کرده است: «دنیا سرای راستی است برای کسی که (گفتار) آن را باور دارد. سرای ایمنی (از عذاب الهی) است، برای کسی که فهمید و آنچه را خبر داد، در بافت؛ سرای توانگری است برای کسی که از آن توشه بردارد؛ سرای بند است برای کسی که از آن پند گیرد. جای عبادت و بندگی دوستان خدا و جای نماز گزاردن فرشتگان خدا و جای فرود آمدن وحی خدا و جای باز رگانی و تجارت دوستان خداست که در آن رحمت و فضل (او را) به دست آورده و سودشان بهشت باشد». (سید رضی، 1366: حکمت 131). 21. «فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ...؛ پس بیمانیه و تراز و را تمام نهد و اموال مردم را کم مدهید و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید». 22. «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَفْهَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأُتَشِّرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ؛ در حقیقت کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست، سپس ایستادگی کردند فرشتگان بر آنان فرود می □ آیند و [می □ گویند] بیم مدارید و غمین نباشید و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید». 23. «وَأَلَّوْا اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِيَنَّهُمْ مَاءً غَدَقًا؛ و اگر [مردم] در راه در ست پایداری و رزق قطعاً آب گوارایی بدیشان نوشانیم». 24. امام صادق 7 فرموده است: «هر کس دو روز از عمرش مساوی باشد، مغبون است؛ و اگر فردایش از امروزش بدتر باشد دچار فتنه و هلاکت شده؛ و اگر متوجه پیشرفت یا زیان خود نباشد، بی گمان در حال انحطاط و عقب □ افتادن است؛ و چنین کسی مرگ برایش مفیدتر خواهد بود». (مجلسی، 1403: ج 68، 173). 25. این نکته را می □ توان از فرمایش امیر مؤمنان، علی 7 در یافت، آنجا که می □ گوید: «نَفْسُ الْمَرْءِ خُطَاةٌ إِلَى أَجَلِهِ؛ نفس □ های انسان، گام □ های او به □ سوی مرگ است». (سید رضی، 1370: حکمت 74) بنابراین، هر ضربان قلب انسان، او را یک قدم به پایان نعمت عمر نزدیک تر می □ کند. بنابراین، باید به □ گونه □ ای زندگی کند که در برابر از دست دادن سرمایه عمر، زیان نکند. 26. «لَا تَزُولُ قَدَمُ عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّىٰ يَسْأَلَ عَنْ أَزْجَعَةٍ عَنْ عُمرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ، وَ عَنْ شَبَابِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ، وَ...؛ در قیامت هیچ بنده □ ای قدم از قدم بر نمی □ دارد تا پاسخ دهد عمرش را در چه کاری فانی نموده و جوانی □ اش را چگونه و در چه راه تمام کرده و...». (مجلسی، 1403: ج 27، 311؛ صدوق، 1410: 253). 27. امام رضا (ع) فرموده است: «اوقات خود را چهار قسمت کنید: بخشی برای عبادت؛ بخشی برای تأمین زندگی؛ بخشی برای مصاحبت با برادران مورد اعتماد و کسانی که شما را به عیوبتان واقف سازند و بخشی برای تفریحات و لذایذ حلال و از مسرت و نشاط ساعت تفریح و شادی، می □ توانید انجام وظایف دیگر خود را نیز تأمین کنید». (مجلسی، 1403: ج 75، 346) روایتی مشابه در کتاب تحف □ العقول به □ نقل از امام موسی کاظم 7 ذکر شده است. (حرانی، 1394: 302). 28. قاعده نفی سبیل، اصل مترقی و کار آمدی است که استقلال و عزت مسلمانان را به □ شایستگی تضمین می □ کند. آیات و روایات بسیاری دلالت دارند که هر گونه ارتباط و داد و ستدی که موجب سلطه بیگانگان بر مسلمان شود، اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی، نازواست و در فقه اسلامی جایز شمرده نمی □ شود. مهم □ ترین مستند این قاعده، آیه 141 سوره نساء است که در بخشی از آن آمده است: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ سَبِيلًا؛ خداوند تسلطی برای کافرین بر مسلمین، قرار نداده است». 29. «وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...» (آل □ عمران: 189)؛ «...به ما فی السموات و الارض کُلُّ له قانتون». (بقره: 116).